

حَاصِلُ التَّرْجِمَان

ترجمه اعتمادات شیخ صدوق

محمد مهدی بن محمد صالح رضوی

به کوشش:

رسول جعفريان

لَهُ مُلْكُ الْأَرْضِ
وَالنَّسْكُ مِنْ حَمَلَتْ
وَالنَّسْكُ مِنْ حَمَلَتْ

حاصل الترجمان

ترجمه اعتقادات شیخ صدوق (م ۳۸۱)

تقدیم به شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴)

محمد مهدی بن محمد صالح رضوی

به کوشش

رسول جعفریان

زمستان ۱۴۰۱ / ۲۰۲۳

سرشناسه: رضوی، محمد مهدی بن محمد صالح، فرن ۱۱۱ق.

عنوان فارسی: الاعتقادات، فارسی، شرح

عنوان و نام پندید آور: حاصل الترجمان: ترجمه اعتقادات شیخ صدوق (م. ۳۸۱) تقدیم به شاه طهماسب صفوی (سطت ۹۲۰ - ۹۸۴) / محمد مهدی بن محمد صالح رضوی؛ به کوشش رسول جعفریان.

مشخصات نشر: قلم: نشر مروخ ۱، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری ۱۲۹ ص: نموده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۸۴-۱

وضعیت فهرست نویس: فیما

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر الاعتقادات شیخ صدوق است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ترجمه اعتقادات شیخ صدوق (م. ۳۸۱) تقدیم به شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴).

موضوع: ابن بابویه، محمد بنین علی، ۳۱۱ - ۳۸۱ق. الاعتقادات -- تقدیم و تفسیر

موضوع: کلام شیعه امامیه -- فرن ۴ق. --
Shi'ah -- Doctrines -- Early works to 14th century^{۱۰} Imamite Shiites theology --

شیعه -- عقاید -- متون قلیمی تا فرن ۱۴ (۱۸۰)

نشانه افزوده: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - (Jafarian, Rasul)

نشانه افزوده: ابن بابویه، محمد بنین علی، ۳۱۱ - ۳۸۱ق. الاعتقادات، شرح

رده بندی کنگره: ۶/۲۰۹BP

رده بندی دیجیتال: ۴۱۷۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۰۹۸۹۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیما



حاصل الترجمان

ترجمه اعتقادات شیخ صدوق

مترجم: محمد مهدی بن محمد صالح رضوی

به کوشش: رسول جعفریان

(استاد دانشگاه تهران)

نشر مودخ

نوبت و سال چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۸۴-۱

قیمت: ۱۱۰ هزار تومان

فهرست مطالب

۹	مقدمه مصحح
۱۲	أهمية اعتقادات صدوق در جامعه شیعه
۱۵	مکتب قم و مسأله غلو
۱۶	مسأله تحریف قرآن و عدم آن
۱۷	مواجھه‌های دیگر با صدوق
۱۹	کتاب اعتقادات صدوق در دوره صفویه
۲۱	ترجمه‌های اعتقادات صدوق در دوره صفوی
۲۵	درباره حاصل الترجمان و مترجم آن
۲۸	دو تحریر از این ترجمه
۳۷	متن حاصل الترجمان: ترجمه اعتقادات شیخ صدوق
۳۷	مقدمه مترجم
۴۰	باب اول: در بیان اعتقاد طایفه شریفه امامیه در باب توحید حق جل و علا
۴۵	باب دوم: اعتقاد در باب صفات خدای تعالی که عین ذات اوست، و صفات افعال که
۴۶	باب سیم: اعتقاد در باب تکلیف نمودن حق سبحانه و تعالی بندگان را
۴۶	باب چهارم: اعتقاد در باب افعال عباد
۴۷	باب پنجم: اعتقاد در نفی جبر و تقویض
۴۷	باب ششم: اعتقاد در امر اراده و مشیت
۵۲	باب هفتم: در باب اعتقاد در امر قضا و قدر
۵۳	باب هشتم: اعتقاد در باب فطرت و هدایت

باب نهم: اعتقاد در باب استطاعت و قدرت.....	٥٤
باب دهم: اعتقاد در باب بداو ظهور.....	٥٦
باب یازدهم: اعتقاد به نهایت رسانیدن مجادله با یکدیگر در طریق حق تعالی و دین او	٥٧
باب دوازدهم اعتقاد در باب لوح و قلم.....	٥٨
باب سیزدهم: اعتقاد در باب کرسی.....	٥٨
باب چهاردهم: اعتقاد در باب عرش	٥٩
باب پانزدهم: اعتقاد در باب نفس‌ها و روح‌ها	٥٩
باب شانزدهم: اعتقاد در تحقیق آنکه موت و فوت چگونه خواهد بود	٦٤
باب هفدهم: اعتقاد در باب سؤال قبر	٧٠
باب هیجدهم: اعتقاد در باب رجعت که عبارت از زنده ساختن بعضی از اموات در دار دنیا ..	٧١
باب نوزدهم: در بعث و زنده شدن خلائق در قیامت	٧٦
باب بیست: اعتقاد در باب حوض کوثر	٧٧
باب بیست و یکم: اعتقاد در باب شفاعت	٧٧
باب بیست و دوم: اعتقاد در باب وعد و وعید	٧٨
باب بیست و سیم: اعتقاد در باب آنچه کرام الکاتین از اعمال بندگان بر ایشان مینویسند ..	٧٨
بیست و چهارم: اعتقاد در باب عدل	٧٩
باب بیست و پنجم: در اعراف	٨٠
باب بیست و ششم: اعتقاد در باب صراط	٨٠
باب بیست و هفتم: اعتقاد در باب عقبات	٨١
باب بیست و هشتم: اعتقاد در باب حساب و میزان	٨٢
باب بیست و نهم: اعتقاد در باب بهشت و دوزخ	٨٥
باب سی ام: اعتقاد در باب نزول وحی الهی از کتابهای آسمانی و اوامر و نواهی که	٨٨
باب سی و یکم: اعتقاد در باب نزول قرآن در شب قدر.....	٨٨
باب سی و دوم: در بیان آنکه قرآن کلام حق تعالی و وحی و فرستاده اوست	٨٩
باب سی و سیم: عقد در باب مبلغ قرآن و منزل قرآن و مجموع آن.....	٨٩
باب سی و چهارم: اعتقاد در باب انبیا و رسول و اوصیای ایشان-صلوات الله علیہم اجمعین ..	٩٣
باب سی و پنجم: اعتقاد در باب عدد انبیا و اوصیا-علیہم السلام.....	٩٦

۷ فهرست مطالب □

۱۰۰.....	باب سی و ششم: در بیان عصمت
۱۰۰.....	باب سی و هفتم: اعتقاد در باب نفی غلو و تفویض
۱۰۵.....	باب سی و هشتم: در باب ظالمان
۱۰۹.....	باب سی و نهم: اعتقاد ما در باب تهیه
۱۱۲.....	باب چهلم: اعتقاد در باب پدران حضرت پغمبر-صلی الله علیه و آله -
۱۱۳.....	باب چهل و یکم: اعتقاد در باره جماعت علویین
۱۱۶.....	باب چهل و دوم: اعتقاد در باب خبرهایی که تفسیر یافته و خبرهایی که مجمل است و
۱۱۶.....	باب چهل و سوم: در باب اشیای مطلقه یعنی مباحه
۱۱۶.....	باب چهل و چهارم: اعتقاد در باب چیزهایی که در علم طب واقع شده
۱۱۸.....	باب چهل و پنجم: اعتقاد در باب اخبار صحیح و حدیث مختلف

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مصحح

کتاب اعتقادات شیخ صدوق از این جهت که مربوط به یکی از برجسته‌ترین عالمان و محدثان شیعی در قرن چهارم هجری و چهره‌ای شاخص از خاندانی سرشناس از شیعیان ری و قم است، از اهمیت ویژه برخوردار است. در باره صدوق «ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی» (م ۳۸۱) تاکنون تحقیقات گسترده‌ای شده که نیاز به تکرار آن نیست. طی سالهای اخیر، کتابهای الهادیه، المقنع، و الاعتقادات او توسط موسسه الامام الهادی (ع) در قم منتشر شده و در مقدمه آنها، شرح حال نسبتاً دقیق و مفصل صدوق و آثار وی آمده است. همین قدر روشن است که صدوق، عالم برتر و محدث درجه اول شیعه - پس از کلینی (م ۳۲۹) - در دهه های میانی قرن چهارم و دوران آل بوبیه است، شخصیتی که نقشی برجسته در تجمیع و تبویب احادیث امامان داشته و کتاب من لایحضره الفقیه او از کتب اربعه به شمار می‌آید. شیخ صدوق شمار فراوانی شیخ و استاد ۲۰۶ نفر و تعدادی هم شاگرد و راوی حدیث (۴۱ نفر) داشته (بنگرید: الهادیه صدوق، مقدمه، ص ۴۷ - ۹۹ - ۱۰۸، «قم، ۱۴۱۸») و گویا - تا سال ۳۳۹ در قم بود و به احتمال به دعوت بوبیهان، به ری رفته و همانجا ماندگار شده است (بنگرید: مجالس المؤمنین: ۳۲۵/۲). به علاوه ارتباط وی - و برادرش - با وزیر بوبیهان صاحب بن عباد نشانگر آن است که به عنوان نماینده جامعه علمای شیعه شناخته می‌شده است. صدوق سفرهای متعددی به خراسان و بغداد و برخی شهرهای دیگر داشته که باید هدفش گردآوری احادیث و همین طور تماس با شیعیان در مناطق مختلف باشد (بنگرید: مقدمه الاعتقادات، چاپ موسسه الامام الهادی، ص ۵۹ - ۵۳، الهادیه، مقدمه، صص ۱۰۹ - ۱۲۰). او به هیچ روی اهل کلام به معنای معترضی آن نیست، و از این جهت، یک تفاوت عمده با عالمان شیعی عراق عرب دارد که از میانه قرن دوم روش فکری آنها عقلی بوده و تا زمان صدوق که رهبری آن در اختیار مفید قرار گرفت، بر همین روال بودند. صدوق، حد فاصل تفکر عقلی شیعه در عراق، و جامعه محدثان شیعی قم و ری است و کتاب اعتقادات او نوعی پیوند میان این دو طرز فکر و دو مکتب به

شمار می‌آید. عالمان سنی و شرح حال نویسان آنها چندان از او یادی نکرده اند، زیرا او قمی و احتمالاً دور از دسترس آنان بوده است. شاید مورد استثناء قضاوت ابوحیان توحیدی در باره «ابوجعفر ابن بابویه» است که می‌گوید در میان شیعیان، عالمی بزرگتر و پرداشتر از او نمیده است: ما لحقت شیخا للشیعه اکبر منه و لا أطول باعا فی العلم» (البصائر و الذخائر، ۱۶۵/۷). خطیب بغدادی هم اورا «من شیوخ الشیعه و مشهوری الرافضه» می‌خواند» که به بغداد آمده است. (تاریخ بغداد: ۳۰۳/۳، و بنگرید: قاموس الرجال: ۴۳۶/۹). جایگاه صدق در جامعه شیعه، البته بسیار مهم بوده است، و اما به دلیل آن که وی در ایران و نماینده مکتب قم بود، و پس از آن، به تدریج مرکزیت تشیع در عراق استقرار یافت، کمتر به آثارش توجه شد. نام‌های ۲۳۱ اثر وی از کتاب و رساله در فهرست تألیفات او آمده است که از غالب آنها نشانی در دست نیست (الهدایه، صص ۱۶۸ - ۲۰۴) و تنها تعداد اندکی از آنها بر جای مانده است که همین‌ها نیز در تفکر شیعه بسیار مهم‌اند. کتاب مدینه العلم او که بزرگتر از «كتاب من لايحضره الفقيه» بوده، از میان رفته است، چنان که از بسیاری از آثار دیگر او نیز خبری نیست. به طوری که می‌دانیم جامعه علمی شیعه، از قرن‌های ششم تا دهم، کمتر به متون حدیثی توجه داشت و شاید همین امر سبب کاهش توجه به آثار حدیثی صدق بوده است. با این حال، و به رغم شماری از دشواری‌ها، شخصیت صدق در شیعه، همچنان استوار مانده است. شاید بتوان مهم ترین نقش وی را تثبیت نگاه‌های عقلانی شیعه در کنار گرایش حدیثی قم و ترکیب این دو البته به شکل ساده اولیه دانست. او همزمان، با غلو مبارزه کرد و کتابی با عنوان «ابطال الغلو والتقصیر» نوشت که بر جای نمانده است. هم چنین با نگارش کتاب التوحید، انتساب تشییه و تجسيم را از تشیع و روایات شیعی دور کرد. به نظر می‌رسد او سعی داشت میان عقل و نقل در شیعه توافقی ایجاد کند چنان که می‌کوشید میان غلو و تقصیر راهی بگشاید. این تعادل، بعدها به نفع عقل گرایی بغداد تا زمان صفویه تغییر مسیر داد. صدق، ذر تربیت دینی و اخلاقی جامعه شیعه هم نقش مهمی داشت و در امتداد مسیر روایی- تربیتی و ترویج زیست شیعیانه با نگاشته‌هایش نقش ویژه‌ای بر عهده گرفت (بنگرید به مقاله: آثار هویت ساز در جامعه شیعه نخستین، مجله تاریخ اسلام، سال ۲۲، پاییز ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۸۷، صص ۱۳۱ - ۱۶۰).

واما یکی از آثار مهم باقی مانده از صدق، کتاب الاعتقادات اوست. مقدمتا باید اشاره کنیم، سابقه اعتقادیه نویسی در میان اهل حدیث و دیگر گروه‌های اهل سنت، به قرن سوم باز می‌گردد، در حالی که صدق - نویسنده نخستین اعتقادیه شیعه - متوفای ۳۸۱ است. نمونه‌های فراوانی از رساله‌های

اعتقادی از اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری از اهل سنت و سپس از معتزله در دست است که فهرستی از آنها و گزارشی از محتوای شماری را در بخشی خاص از کتاب «درسنامه‌ی در باره فرق اسلامی» آورده‌اند. ساختار این آثار، متفاوت بوده و هر گروهی از آنها، بسته به این که با چه علاقمندی نوشته شده باشند، قالب ویژه‌ای دارد. نوشت «اعقادیه‌ها» تا دوره اخیر ادامه یافته و البته در برخی از ادوار نام اصول عقاید به خود گرفته است. فهرستی از اعتقادیه‌های موجود در میان نسخ خطی ایرانی که بالغ بر چند ده عنوان می‌باشد، فقط همانها که ذیل نام اعتقدادیه است، در مجلد چهارم فنخا می‌توان ملاحظه کرد. در واقع، و به دنبال تغییراتی که در هر دین و آیینی بر اساس تحولات روزگار و زمانه پیش می‌آید - و این خود معلول و محصول مسائل مختلف و بحرانهای فکری و جدالهای مذهبی متفاوت است - در هر مقطع زمانی، نیاز به نگارش اعتقادیه‌های تازه وجود دارد. با مقایسه اینها، در گذر زمان و حتی جغرافیا، می‌توان سیر تحول اعتقادی در ادیان و مذاهب مختلف را بدست آورد. شیعه نیز از این امر مستثنی نیست.

شكل اعتقادیه نویسی، پیشینه رساله‌ها و کتاب‌های کلامی مفصل‌تری است که بعدها به عنوان کتب عقایدی نوشته شد. برخی از این آثار تفصیلی و مستند است، و برخی کوتاه صرفاً ابراز عقاید بدون ارائه دلایل آنها. رساله اعتقادات صدوق را باید از نظر ادبیات نگارشی در همان سبک و سیاق دید. رساله‌ای ویژه شیعیان امامی مذهب، که صدوق، به عنوان عالم بر جسته زمان خود سعی می‌کند به طور مستند و مستدل، عقاید شیعه را با اتكاء به قرآن و حدیث - طبعاً احادیث اهل بیت - بیان کند. ارجاعات فراوان آن به قرآن، با بیش از دویست مورد، نسبتاً شگفت است، و البته شمار احادیث نیز بسیار فراوان است. به جز اینها، توضیحات مختصر شیخ صدوق، در آغاز هر باب و در بیان هر موضوع جالب است. او عبارات تالیفی دارد و تلاش کرده است تازمینه استناد به آیات و احادیث را با ارائه تعریفی از آنچه به آن باور باید داشت، بیان کند.

از نظر نوع موضوعات، می‌شود گفت کتاب اعتقادات، از جهانی شیعیه به کتاب‌های اعتقادیه اهل سنت در همان روزگار است. بحث از صفات خدا، عرش و لوح و کرسی، افعال عباد، مسائل مربوط به مرگ و قبر و معاد و حوض کوثر، همین طور وعد و وعید و شفاعت، عدل، جبر و اختیار از مسائل مشترکی است که در این قبیل آثار هست. اما در این اثر، عقاید ویژه شیعی هم مانند تقيه، بدا، عصمت، عقیده در باره ایمان آباء رسول (ص) و مسائلی از این دست نیز وجود دارد.

بعد از صدوق، شیخ مفید تصحیح الاعتقاد را در نقد آرای صدوق نوشت که نام اصلی آن «جوابات ابی جعفر القمی» است (فهرست نجاشی: ۴۰۰). بعد از او سید مرتضی چندین اثر

مفصل و مختصر در اعتقادات دارد. همین طور شیخ طوسی و شماری از عالمان حلب نیز آثاری در این زمینه نوشته‌ند که البته در سبک و سیاق اعتقادات صدوق، و صبغه حدیثی نبود بلکه عموماً کلامی بود. اعتقادیه نویسی که در دوره مرتضی و طوسی اوج گرفت و تا زمان خواجه نصیر و شماری از علمای حله ادامه یافت، آثاری غالباً کلامی بود. یکی از نمونه‌های فارسی آن، اثری از حوالی سال ۷۰۰ هجری است که ترجمه «غینۃ النزوع» ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵) با عنوان معتقد الامامیه است. باب حاجی عشر و شرح‌های آن طی قرن‌های هشتم و نهم و دهم و حتی بعد از آن ادامه دارد. در دوره صفویه، اعتقادیه نویسی با الفاظی شیبه اعتقادات، اصول دین و مانند اینها با حمایت سلاطین صفوی دنبال می‌شد. از چهره‌های بر جسته این دوره نظیر شیخ بهایی و مجلسی «اعتقادیه» های کوچکی داریم که صدھا نسخه از آنها بر جای مانده و برخی ترجمه و شرح هم شده است. برای دنبال کردن این موارد، بهترین منبع، همان «فتحا» ذیل مورد اعتقادات است.

اهمیت اعتقادات صدوق در جامعه شیعه

اگر از موارد جزئی که در درون برخی از روایات در باره «اعتقادات درست» آمده بگذریم، رساله شیخ صدوق نخستین متن اعتقادی منظم و دقیقی است که برای شیعیان نوشته شده است. در واقع، شیخ صدوق، سه اثر در این باره دارد. مهم ترین و مفصل ترین آنها، همین رساله اعتقادات است که در منابع شیعی از آن با عنوانین «الاعتقاد، الاعتقادات، و العقائد» یاد شده و رایج ترین نام «اعتقادات» است.^۱ چاپ منقح این اثر با عنوان اعتقادات توسط موسسه الامام الهادی در قم و به سال ۱۴۳۲ق منتشر شده است. مرحوم مجلسی با تعبیر «قال الصدوق فی رسالت العقاید» از آن نقل می‌کند (بحار: ۹۶/۱۷).

دومنی متن صدوق در اعتقادات، متین با عنوان وصف «دین الامامیه» است که در امالی وی

۱. آقابزرگ، در ذریعه (۲۲۶/۲) دومی را با اولی خلط کرده و در مجلد ۳۵۵/۱۹ آن را تصحیح کرده، متأسفانه در فتحا ذیل اعتقادات صدوق، این اشتباه تکرار شده است. در باره اعتقادات صدوق، در کتابشناسی نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق، صص ۵۴ - ۲۷ شرحی در باره اعتقادات آمده است. مشار در فهرست کتابهای عربی: ۶۲۵ چاپ های مختلف آن را معرفی کرده است. نسخه مصحح این کتاب همراه با تصحیح اعتقاد از شیخ مفید، در کنگره شیخ مفید منتشر شد که در حال حاضر، در سی دی جامع الاحادیث مورد استفاده است. چاپ منقح اعتقادات توسط موسسه الامام الهادی (ع) در قم در سال ۱۴۳۶ و ۱۴۳۲ق دو چاپ شده و بهترین چاپ های این کتاب می باشد. ترجمه هایی نیز از این کتاب از قدیم و جدید انجام شده است.

آمده است. این اثر، متى است که شیخ صدوق، روز جمعه، ۱۲ شعبان سال ۳۶۸ به درخواست گروهی از شیعیان در شهر نیشابور برای آنان ارائه کرده است (بحار: ۱۰: ۴۰۵ - ۳۹۳). سومین متن اعتقادی صدوق، مقدمه‌ای است که بر کتاب «الهداية» (صص ۶۴ - ۴) دارد و ضمن آن از توحید، نبوت، امامت، و مباحثی در باره ایمان و کفر و تقیه و جز اینها یاد کرده است. عبارات مشترک میان این متن با آنچه در دوره رساله دیگر آمده دیده می‌شود، هرچند امکان یک تطبیق دقیق‌تر وجود دارد. رساله اعتقادات بیشتر شامل مباحث اعتقادی است، در حالی که رساله‌ای که در نیشابور برای شیعیان عرضه شد، به جز چند نکته کوتاه اول، بیشتر یک دوره فقه مطابق فتاوی شیعه است و البته در پایان یک دوره سنن اخلاقی و دینی را هم به اجمال آورده است. او در پایان رساله وصف امامیه می‌گوید، اگر در بازگشت از سفرش، باز هم به نیشابور آمد این متن «عجله» ای را مفصل‌تر ارائه خواهد داد. (بحار: ۴۰۵/۱۰).

صدقه در مقدمه «الهداية» نیز اعتقادات را آورده و در همین رساله ترجمه اعتقادات، در پایان باب سی و پنجم از قول صدوق می‌گوید: «و شیخ مغفور چنین آورده که این فصل را از کتاب هدایه استخراج نمودم». در پایان اعتقادات هم می‌نویسد: «و بیرون آوردم از روی تحقیق و نقل نمودم آن خبر را که در بیان این آیات واقع شده بود به اسناد و شرح آن در کتاب توحید»، و بدین ترتیب در اعتقادات، به دو کتاب الهداية و التوحید خویش تصریح کرده است.

در متن اعتقادات، در چند موضوع، وعده نگارش تک نگاری مستقل در باره آنها را می‌دهد. از جمله در ذیل بحث از روح می‌گوید: «و بعد از این تصنیف کنم کتابی را در روح، و ظاهر سازم معانی آن را بر سبیل تفصیل ان شاء الله تعالى». مشابه همین جمله را ذیل بحث از رجعت هم دارد: «و بعد از این در باب صحت رجعت کتابی تصنیف کنم و در آن مبین کنم و ظاهر سازم کیفیت رجعت را و دلایل بر صحت حقیقت آن را من بعد ان شاء الله تعالى». همین قصد را در باره «معداد» هم داشته است: «و بعد از این کیفیت وقوع حساب را در کتاب حقیقت معاد علی چند بیان کیم ان شاء الله تعالى».

در باره این که رساله اعتقادات تا چه اندازه در جامعه شیعه مقبولیت داشته، باید توجه داشت که در همان آغاز در بغداد، با رساله تصحیح الاعتقاد شیخ مفید موافق و نقادی شده است، اما می‌توان پذیرفت که متن صدوق برای قرنها، و دست کم بسیاری از باورهای آن، مورد قبول شیعیان قم بوده است. به هر روی این که در دوایر شیعی بعدی، اعتبار آن تا چه حد بوده، باید با جستجوی بیشتری در منابع بازخوردهای آن را بدست آورد. برای نمونه می‌تواند به نکته‌ای که محقق حلی (م ۶۷۶) در

«نکت النهاية» (قم، ۱۴۱۲ - ۶۹/۱) از اعتقادات در باب اعتقاد امامیه به مسأله وعد و وعید نقل کرده، اشاره کرد. از نظر احترام نهادن نیز، بی مناسبت نیست اشاره کنیم علامه حلی (م ۷۲۶) در کشف اليقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، در وقت نقل روایتی از کتاب فضائل امیر المؤمنین شیخ منتجب الدین، با اشاره به این که او از اعقاب صدوق است، از شیخ به عنوان «الشيخ المصنف الكبير المعظم الصدوق» یاد کرده است. (کشف اليقین، ص ۴۷۹). نباتی (م ۸۷۷) صاحب الصراط المستقیم، در جایی از همین کتاب (۱۷۱/۲) صدوق را با تعبیر «العالم الكبير» یاد کرده است.

از نظر نسخه شناسی، بر اساس فنخا، قدیمی‌ترین نسخه تاریخدار موجود از اعتقادات صدوق از سال ۸۱۷ است که پایه تصحیح و چاپ موسسه امام هادی (ع) بوده و نسخه آن در کتابخانه مرعشی (ش ۱۹۴۵) است. نسخه کهن دیگر از کتابخانه رضوی از سال ۸۳۷ و نسخه دیگر مرعشی از ۸۷۳ و نسخه‌های دیگر از ۸۸۲ و به همین ترتیب از سالهای بعد از آن است (فنخا: ۳۸۰/۴). باقی نسخه‌های فراوان آن، محدودی از قرن دهم، و عمدۀ آنها از قرن یازدهم و دوازدهم و بعد از آن است. مسلمان این مسأله نیز معیاری برای اعتبار و یا جریان آن در دوازدهمی بوده است.

چنان که اشاره شد، نیاز هر جامعه‌ای در زمان معین، اعتقادیه‌ای است که عالم همان زمان بنگارد و طبیعی است که آنجه از گذشته دور است، بیشتر به عنوان یک مستند مورد استفاده قرار می‌گیرد و به همین دلیل، کمتر از روی آن تکثیر می‌شود. این نیز روشن است که رسائل و کتابهای اعتقادیه برخی از علماء که محتاط‌تر باشند، زمان بیشتری دوام می‌آورد. برای مثال می‌توان از رساله اعتقادات علامه مجلسی یاد کرد که شمار زیادی نسخه از آن (مشخصاً ۱۷۹ نسخه) در ادور بعدی بر جای مانده است (فنخا: ۴۱۶ - ۴۲۵)، چنان که از رساله اعتقادیه شیخ بهائی، ۵۹ نسخه بر جای مانده است (فنخا: ۴۱۲ - ۴۱۵). از بسیاری از عالمان متقدم، مانند شیخ طوسی، خواجه نصیر و محقق حلی نیز رسائل اعتقادیه باقی مانده و به نظر می‌رسد، رسائل هر کدام، برای یک قرن یا بیشتر، محبوبیت داشته است.^۱

به هر روی اعتقادات صدوق، با توجه به جایگاه و اهمیت او، و نیز قدمت زمانی، یکی از پایدارترین رسائل اعتقادی است. بر اساس فهرست فنخا، از این رساله ۲۶۶ نسخه بر جای مانده که

۱. در سالهای اخیر دوست ما آقای حاج شیخ محمد رضا انصاری، مجموعه‌ای دو جلدی از رسائل اعتقادیه علمای شیعه تا قرن دهم هجری را با عنوان «عقيدة الشیعه» منتشر کرده (قم، ۱۳۹۵ش) و مقدمه‌ای سودمند نیز بر آن نوشته است.

در مقایسه با برخی از موارد که گفته شد، رقم بسیار بالایی است. این امر با توجه به قدمت زمانی شیخ صدوق قابل فهم است. البته رویکرد تا اندازه‌ای حدیثی آن هم محبوبیت آن را در مقایسه با برخی از سائل صرفاً کلامی، بالاتر برده است، چنان که برای عقل‌گرایان می‌توانسته محبوبیت کمتری داشته باشد.

مکتب قم و مسائله غلو

روی یک نکته می‌توان تأمل و توقف کرد و آن این که رساله اعتقادی صدوق، بر اساس باور اهالی قم به میانی تشیع است. اساس این نگرش، روایاتی است که بیش از دو قرن قبل از حیات صدوق، در این شهر جریان داشته است. صدوق مدافع مکتب قم است و مهم ترین نشانه این امر، عبارتی است که او در دفاع از مشایخ قم دارد. وقتی صدوق در باره غلو سخن می‌گوید و به شدت آن را مورد انکار قرار می‌دهد، می‌نویسد: «وعلامت و نشانه جماعت مفوضه و غلّة و اصناف این طوایف ردینه، نسبت نمودن ایشان است جماعت علماء و مشایخ قم را به تقصیر نمودن در محبت حضرت امیرالمؤمنین -علیه السلام- با وجود آنکه آن جماعت شریفه، محبت آن حضرت را زیاده از قوم دیگر دارند». صدوق در اینجا می‌کوشد، اتهام تقصیر و کوتاهی در محبت امیرالمؤمنین را توسط مشایخ قم، انکار کند. شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد، در این مورد، هر چند در کل، اتهام تقصیر را به علمای حقیقی نادرست می‌داند، اما قمی‌ها را با توجه به آنچه از ابوجعفر محمد بن حسن بن ولید -استاد صدوق- نقل شده که گفته است: «اول درجة في الغلو نفي السهو عن النبي و الامام» اهل تقصیر می‌داند (تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۵ - ۱۳۶). ما با مواضع شیخ صدوق هم در باره شهادت ثالثه آشنا هستیم (من لا يحضره الفقيه، ۲۹۰/۱)، و بنگرید به توضیحات محمد تقی مجلسی در این باره در: لوامع صاحبقرانی، ۵۶۷ - ۵۶۵ «قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴») و می‌دانیم که او میراث‌دار نوعی جریان ضد غلو در قم است که حتی تا این اواخر ادامه یافته است. تأکید او بر سهو النبي (ص) از نظر خودش، مصدق دیگری از گرایش ضد غلو است، چنان که نوشته است: «قال مصنف هذا الكتاب: أن الغلة والمفوضة لعنهم الله ينكرهن سهو النبي «ص»، من لا يحضر: ۳۵۹/۱ و شرح این جملات و ارائه پاسخ‌هایی که دیگران به صدوق داده اند، توسط محمد تقی مجلسی در: لوامع: ۲۹۹/۴). محمد تقی مجلسی از قول شیخ بهایی -استادش- نقل می‌کند: مکرر می‌فرمودند که نسبت سهو به ابن بابویه اولی است از نسبت آن به معصومین (ع). (همان، ۳۰۳/۴). می‌دانیم از شیخ مفید رساله‌ای با عنوان «عدم سهو النبي ص» منتشر شده (کنگره مفید، قم، ۱۴۱۳)

که در آن به صورت تند و نقادانه با صدوق برخورد شده است. در حالی که شیخ صدوق، قائل به عدم سهو النبي را غالی خوانده [ان النافی عن النبي عليه السلام السهو، غال، خارج عن حد الاقتصاد، همان، ص ۳۰]، شیخ مفید این راعلامت غلونمی داند. اساس بحث صدوق، روایتی است که وی آن را در من لا يحضر آورده و ذیل آن، چنان که گذشت، قائلین به عدم سهو النبي را از مفهومه و غلاة دانسته است. شیخ مفید در رساله یاد شده – یا منسوب به او – رسماً از صدوق با عنوان «الشيخ» یاد و روایت او را روایتی از شمار اخبار آحاد دانسته که «روته الناصبة والمقلدة من الشیعه»، و آن را رد کرده است. (رساله عدم سهو النبي، ص ۱۸، ۲۰). در این رساله، تلویحاً، شیخ صدوق، از حشویه شمرده شده و می‌گوید، او با عقیده به سهو النبي، از غلو خارج نمی‌شود، بلکه «از توحید و شرع» خارج می‌گردد (همان، ص ۲۷). نباید این نکته سبب شود تصور کنیم، شیخ مفید تمایلی به غلو دارد، به عکس او در مواردی از جمله عقیده به برخی از باورها مانند عالم ذر و یا این که ذوات امامان قبل از خلقت آدم موجود بوده را از عقاید غلاة و اخباری های شیعه یا همان حشویه می‌داند. (بنگرید: تصحیح الاعتقاد، ص ۸۰-۸۴، و پاورقی به نقل از «المسائل السرویه»؛ کما یذهب اليه الحشویة!)

این در حالی است که ممکن است بسیاری دیگر، برخی از مواضع اهل قم را – بیشتر به خاطرات نقل برخی از روایات نقل شده از سوی کسانی مانند صفار که ابن الولید (استاد صدوق) حاضر به نقل آنها نبود – غالباً بداند، چنان که سید مرتضی (م ۵۳۶) فی را به استنای ابو جعفر بن بابویه، متهم به مشتبهی و مجری بودن می‌کند (رسائل المرتضی: ۳۱۰/۳). می‌دانیم که این مواضع صدوق، غالباً به دلیل پیروی او از استادش محمد بن الولید است که آشکارا ضد غالیان و روایاتی بود که تمایل به افکار آنان بود.

مسئله تحریف قرآن و عدم آن

یکی از نکاتی که جنبه ضد غلو را در رساله اعتقادات صدوق نشان می‌دهد، دفاع وی از قرآن و تأکید موکد بر عدم تحریف آن است. اکنون و ظاهراً، در این که مسئله تحریف قرآن، نخستین بار در جریان جمع قرآن عثمان و در پی مخالفت شماری از صحابه با او مطرح شد، تردیدی نیست، و نیز در این که، بعدها اشکالات یاد شده، توسط شماری از علمای شیعه، به عنوان طعنی بر عثمان ادامه یافت و تندروها یا غالیان زمینه باور به تحریف را بر اساس آن مطرح کردند؛ به علاوه، غالیان نیز از آن برای نسبت دادن برخی از مسائل به قرآن – مانند ورود نام امام علی (ع) در برخی از آیات

– ادامه داده، و دنبال آن را گرفتند و روی این مسأله تأکید کردند.

صدقه، در اعتقادات، با نظریه تحریف قرآن بشدت مخالفت کرده و به نظر می‌رسد، این مسأله، هم به جهت وفاداری او به ظواهر منابع دینی، از جمله قرآن و حدیث است، و هم با انگیزه مقابله با غالیانی که بحث تحریف قرآن را دنبال می‌کردند و ما می‌دانیم که بعدها، علمای شیعه، تحریف در میان شیعه، را به حشویه منتبه کردند، چنان که طبرسی در مقدمه مجمع البيان به آن تصریح کرده است. شیخ صدوق نه تنها به صراحت طی باب‌های سی ام تاسی و سیم اعتقادات، از هر جهت از سلامت قرآن دفاع می‌کند، بلکه بخش مهمی از پشتونه استدلالی وی در همه موضوعات، آیات و به خصوص ظواهر آیات است، هرچند گاه روى تأویل به معنای «مصاديق خاص» برای برخی از آیات هم که در «احادیث» آمده، تأکید و تصریح دارد. عنایت وی به قرآن در کتاب التوحید او نیز آشکار است (برای برخی از موارد آن بنگرید: مقدمه «الاعتقادات» قم، ۱۴۳۶)، صص ۱۵۶ – ۱۵۸). در کتاب اعتقادات، وی به بیش از ۲۰۰ آیه قرآنی استناد کرده است. مسلماً، امواج فکری ایجاد شده در جامعه شیعه در طول سه قرن اول اسلامی، در این شهر هم انعکاس داشته است. مهم ترین آنها، باورهای غالیان بوده که در این شهر به دیده تردید به آن نگریسته می‌شد، ضمن آن که از جهاتی، خود این شهر، باز متهم به داشتن برخی از بینش‌های غالی بود، چنان که از اتهام سید مرتضی به قمی‌ها، روشن می‌شود.

در دوره صفوی، بحث تحریف قرآن طرفدارانی داشت و از آن جمله آخوند ملامحمد تقی مجلسی بود. وی در شرح عربی خود بر من لا يحضره الفقيه صدوق، به موضع وی در سلامت قرآن از تحریف حمله کرد: «أَتَمَا الْعَجْبُ مِنِ الْمُصْنَفِ [صدقه] أَنَّهُ ذُكْرٌ فِي رِسَالَتِهِ فِي الْاعْقَادَاتِ أَنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جَبْرِيلٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَمْ يَكُنْ زَانِدًا عَلَيْهِ وَ لَا نَاقِصًا عَنْهُ»، تعجب از صدوق است که در رساله اعتقادات خود می‌گوید این قرآن که خداوند بر جبرئیل فرستاد، همین قرآن است و کمترین چیزی بر آن افزوده و کاسته نشده است! محمد تقی مجلسی ادامه می‌دهد: این در حالی است که اخبار متواتری از طرق خاصه و عامه بر این که بر آن افزوده و کاسته شده و این «لمصلحة مذهبهم الفاسد» بوده است (روضۃ المتنقین: ۱۹/۱۰ – ۲۰ «قم، ۱۴۰۶»).

برخی مواجهه‌های دیگر با صدوق

از سوی دیگر، آراء متنضاد در میان علمای شیعه، و خود شیعیان که در شهرهای مختلف زندگی می‌کردند و هر کدام با وجهی از آموزه‌های امامان آشنا بودند، در این دوره وجود داشته است. طبعاً

و اساساً نوشتن اعتقادیه، برای رهایی از آن اختلاف نظرها برای عامه شیعیانی است که انتظار بیان عقاید درست را از یک عالم درجه اول داشته‌اند. به هر روی، می‌شود گفت که رساله صدق، از این جهت، معیار شناخت تفکر شیعی قم است. آنچه بعد از آن مفید در باره این کتاب و باورهای آن گفت، تا اندازه‌ای از مکتب قم فاصله دارد، ضمن آن که به هر حال جامعه شیعه قم و بغداد، با یکدیگر مراوات نزدیک داشتند. در این زمینه و ضمن این که اساس باورها یکی بود، اما رویکردها در تفسیر احادیث و یا حتی تحلیل برخی از دیدگاه‌های کلامی، و نیز تعلق خاطر برخی از افراد به شماری از صحابه ائمه، با وجود اختلاف نظرهای موجود در آنها، تفاوت مشرب‌هایی را پذید می‌آورد. همچنین نزدیک بودن علمای شیعه بغداد به معتزله و تأثیر پذیری از آن، در حالی که قم از جو مزور به دور بود، همه اینها تفاوت‌هایی را میان این دو مکتب ببغداد و قم رقم می‌زد.

چنان که گذشت، نخستین نقادی‌های نسبت به اعتقادات شیخ صدق، توسط شیخ مفید (م ۴۱۳) انجام شد، و او تصحیح الاعتقاد را در همین جهت نوشت. وی مواردی را با تعبیری چون «کلام ابی جعفر ... علی مذهب الحدس دون التحقیق» آنها را مورد نقد قرار می‌داد. (بحار: ۷۹/۵۸). در این باره گزارش مکدرموت در باره تفاوت‌های فکر صدق و مفید در مسائل مختلف در بخش دوم کتاب «اندیشه‌های کلامی شیخ مفید» (تهران، ۱۳۶۳، صص ۴۱۷ - ۴۹۰) آمده است. وی فهرستی از اختلاف نظرهای مفید با صدق را در این بخش آورده است. در مجموع، شاید یک جهت مهم در کم استقبالی از اعتقادات صدق، روایی بودن آن بود که برای عقل گرایانی که در نسل‌های بعدی آمدند قابل قبول نبود. در واقع، هم از نظر احادیث مورد استناد و هم تفسیرهای ساده و روانی که صدق داشت، آنان این کتاب را چندان جدی نگرفتند.

ملحوظات بعدی در باره این کتاب نشان می‌دهد به جز کار شیخ مفید، توجه جدی به این اثر نبوده و حتی او نیز بیشتر نقد کرده است تا شرح. کتاب او گرچه به نام تصحیح الاعتقاد نامیده شده که همین هم انتقادی است، در اصل به نام «جوابات ابی جعفر القمی» بوده است. سید مرتضی هم به احتمال در برخی از موارد نقدی خود، مقصودش صدق بوده است. از جمله اشاره او به این که «فاما اعتقاد بعضی اصحابنا في تفضيل الانبياء على الملائكة...» و اینکه استدلال آن بعض اصحاب را بر برتری انبیاء بر ملانکه نادرست شمرده (بنگرید بحار: ۲۸۸/۵۷) که مقصودش بسا شیخ صدق است.

جای این مباحث این مقدمه نیست و می‌دانیم که در این باره ذیل تفاوت مکتب بغداد قم، مفصل گفته و نوشته شده است. هدف آن بود تا تأکید کنیم رساله اعتقادیه صدق، انعکاس افکاری است

که آن وقت در قم وجود داشته و از آنجا تا شهر ری و برخی دیگر از شهرهای مرکزی ایران رفته است. بی مناسبت نیز بر این نکته تأکید کنیم که یکی از اهداف نگارش اعتقدای ها، پاسخ دادن به اتهامات رایج مخالفان است و شیخ صدوق هم در این رساله، دقیقاً به این امر نظر دارد و در مواردی مثل تشییه و تجسیم تصریح می‌کند. صدوق، در نگارش کتاب التوحید نیز همین هدف را داشت و می‌خواست پاسخ اتهاماتی را که مخالفان به امامیه زده و آنان را اهل تجسیم و تشییه می‌دانستند، بددهد. به همین دلیل در این رساله در چندین مورد، عقیده‌ای را شرح داده و با تأکید دادن نسبت‌های جز آن را به امامیه انکار می‌کند. در باره مساله تجسیم و تشییه می‌گوید:

و هر که گوید که حق تعالی مانند جسم‌هاست، کافر است، و هر که نسبت کند به طایفه امامیه که ایشان [عقیده به تجسیم را] گفته‌اند در باب توحید، متروک و غیر مسموع است؛ و هر حدیثی که مضمون آن موافق کلام مجید نباشد، باطل و عاطل است، و اگر مثل این اخبار و احادیث که به سبب ظاهر مخالف آیات قرآنی نماید در کتاب‌های علمای ما -علیهم رضوان الله تعالى- بوده باشد، معنی آن مختفی و پوشیده خواهد بود، و بنابراین بر معنی ظاهری آن حمل نتوان کرد؛ و چیزی که بعضی جاهلان از آن تشییه خدای تعالی به مخلوقاتش توهمند نموده‌اند، معنی آن مانند معانی امثال آن از آیات قرآنیست که در حقیقت معانی ظاهر آن مراد و مقصد الهی نیست.

در مورد دیگری، در باب ششم، وقتی از باور امامیه در باره اراده و مشیت الهی سخن می‌گوید، در پایان می‌نویسد: «این است اعتقاد ما جماعت اهل ایمان در باب مشیت و اراده الهی، نه آن‌چه مخالفان ما در این باب به ما اسناد می‌نمایند از روی عداوت و کین، و به زشتی باز می‌گویند آن را طایفه ملحدين و منکرین شریعت حضرت رسول رب العالمین».

در مورد دیگری، در باره عدم تحریف قرآن نیز موضع شیخ صدوق در این رساله قاطع است و او به کلی نسبت اعتقاد به زیاده و نقصان را انکار می‌کند و پس از تصریح به آن می‌نویسد: «ومن نسب إلينا أتنا نقول إنَّه أكْثَرَ مِن ذَلِكَ فَهُوكَاذِبٌ». البته او نقصان را هم از قرآن موجود، به همین شدت رد می‌کند.

توجه به اعتقدات صدوق در دوره صفویه

برآمدن شیعه در ایران و حمایت دولت صفویه آن، بویژه سیاست‌های فرهنگی - مذهبی شاه طهماسب، سبب ترجمه شماری از آثار اصیل عربی شیعی به فارسی شد. در باره ترجمه متون دینی، مقاله‌ای با عنوان «ترجمه متون دینی به پارسی در دوره صفوی» در مجلد دوم «سیاست و فرهنگ

روزگار صفوی» نوشته‌ام. طبعاً بنا به جایگاه و اعتبار شیخ صدوق و نیز اهمیت کتاب اعتقادات او می‌توان تصور کرد که عنایت خاصی نسبت به آن بوده و به همین دلیل چندین بار در دوره صفوی و قاجار و پس از آن تا امروز، به فارسی ترجمه شده است. با این حال، باید توجه داشت که سنت کلامی موجود در امامیه از بعد از خواجه نصیر و علامه، تمرکز مباحث اعتقادی را روی روش‌های کلامی برده و روش صدوق تعقیب نشده بود. در این فضای اعتقادات صدوق که بیشتر بر مبنای اهل حدیث از شیعه بود، جذبیت چندانی نداشت. مقایسه شروح مختلف از باب حادی عشر با عدم وجود شرح از اعتقادات صدوق در قرن‌های هشتم و بعد از آن، گرچه مقایسه دقیقی نیست، اما نشانگر آن است که توجه جدی روی اعتقادات صدوق نبوده است. فاصله زمانی شیخ صدوق (م ۳۸۱) با شیخ طوسی (م ۴۶۰) دو تاسه نسل است، اما رساله اعتقادات شیخ طوسی، (چاپ شده در الرسائل العشر، «قم، ۱۴۱۴»)، ص ۱۰۳-۱۱۴) یک اثر کاملاً کلامی است که شمار بسیار اندکی آیه و روایت در آن استفاده شده در حالی که رساله اعتقادات صدوق، بندرت جنبه کلامی دارد. بخش توحید آن را که شیوه عبارات معترزله در اصول دین هایی نگارش شده توسط آنهاست، باید استثناء کرد، هر چند همان هم، فقط ذکر صفات است، اما سبک تزییه‌ی آن، شبیه آثار آنهاست.

جالب است که بعدها، اهل حدیث از شیعه هم به دلیل برخی از باورهای صدوق در این رساله، از جمله سهو النبی (ص) نگاه منتقدانه به آن داشتند. (بنگرید: بحار: ۹۹/۱۷). مجلسی در جایی اشاره به مخالفت مشهور با برخی از عقاید صدوق دارد (بحار: ۱۰: ۴۰۵). با همه این احوال، باید توجه داشت که کتاب صدوق، یک کتاب معیار بوده است، هرچند در مواردی از آن انتقاد هم شده است. برای اخبارگرایانی مانند مرحوم مجلسی، روش صدوق بسیار پسندیده بود. آنان دوست داشتند فقط با متن احادیث کار کنند و عین احادیث را در حالی که سند از آن جدا می‌شد به عنوان متن کلامی و فقهی عرضه کنند. این همان روشی بود که شیخ صدوق دنبال کرده بود. مجلسی (م ۱۱۱۰) در جایی نوشته است: صدوق «من عظام القدماء التابعين لآثار الأئمة النجّاباء الذين لا يتبعون الآراء والأهواء، ولذا ينزل أكثر أصحابنا كلامه و كلام أبيه رضي الله عنهما منزلة النص المنقول و الخبر المأثور». (بحار: ۴۰۵/۱۰). در باره برخی از گفته های علمای دوره صفوی در باره وی بنگرید: الهدایه، ص ۲۱۳-۲۱۵).

طبعاً توجه به اعتقادات وی در این دوره بیشتر بوده است. سید نعمت الله جازانی (م ۱۱۱۲) که از اخباری های دوره اخیر صفوی است، در این باره شرحی نوشته که افندی از آن یاد کرده، اما نسخه ای از آن ندیده است (ریاض: ۲۵۶/۵). افندی نوشته است، مولی عبدالله شولستانی مقیم ساری هم

که از شاگردان محمد تقی مجلسی و ملاصدرا - در عقلیات - بوده دو شرح عربی و فارسی برای اعتقاد صدوق نوشته است. وی آثار این عالم را در ساری نزد فرزندانش دیده است. (ریاضن: ۳/۵۰۲). آقابزرگ هم شرحی از یکی از علمای قرن دوازدهم که خود را «ابن ولی الله القزوینی» نامیده، در میان کتابهای مدرسه نواب مشهد دیده است. او حدس می زند نام این شخص فضل الله بن ولی الله قزوینی باشد اما نسخه‌ای را که دیده، تاریخ نداشته و احتمال می دهد از قرن دوازدهم بوده است (ذریعه: ۱۳/۰۲). شخص مذبور می تواند صفحی بن ولی قزوینی هم باشد (فهرستواره کتابهای فارسی، متزوی، ۹/۳۶۹).

شرح دیگری از اعتقدات صدوق با نام حل العقاید از شاه محمد دارابی از قرن یازدهم در دست است که گفته شده مختصر است. (برای سه معرفی سه نسخه آن در رضوی و مرعشی بنگرید: فنخا: ذیل مورد حل العقاید، ۱۲/۶۴). در فهرست گوهرشاد: ۲/۷۱۹ از نسخه‌ای که تاریخ ۱۰۶۴ دارد، به عنوان ترجمه - شرح احتمالی اعتقدات صدوق یاد شده است. در میان آثار حسن بن زین الدین عاملی (فرزند شهید ثانی) هم کتابی با عنوان شرح اعتقدات صدوق معرفی شده که ظاهرا نسخه‌ای از آن شناخته شده نیست. (بنگرید: مقدمه «معالم الدین»، قم، ۱۴۱۸، ۱/۳۵).

ترجمه های اعتقدات صدوق در دوره صفوی

یکی از نشانه‌های توجه به این کتاب در دوره صفوی، ترجمه‌هایی است که از این کتاب صورت گرفته است. این ترجمه‌ها، مانند بسیاری از کتابهای دیگر، به شاهان وقت یا برخی از امرا و شاهزادگان اهدا شده است. چند نمونه از اینها، به شاه طهماسب و خواهرش سلطانم اهدا شده و این نشان دهنده، توجه این شاه صفوی به گسترش معارف شیعی است. برخی از این ترجمه‌ها صرفا ترجمه و برخی حالت ترجمه - شرح دارد به این شرح است:

حاصل الترجمان از محمد مهدی رضوی، از نخستین ترجمه هاست که شرح آن خواهد آمد.
ترجمه اعتقدات صدوق از ابوالفتح حسینی، وی آن را به شاهزاده مهین بانو سلطانم اهدا کرده است. از این کتاب نسخه‌ای با تاریخ ۹۶۲ (مجلس، ش ۱۷۶) برجای مانده و البته نسخ دیگری از آن هم در دسترس است. (فنخا: ۴/۳۹۵-۳۹۶). وی در مقدمه نوشته است: «این، کلمه چند است ظاهر واضح و حرفی چند باهر ولایح در شرح و ترجمه الفاظ و عبارات کتاب اعتقدات منسوب به شیخ المجتهدین و صدوق المحدثین، مقتدای علمای متقدمین و متأخرین، پیشوای فقهای اولین و آخرین، معظم فرق ناجیه، مقدم زمرة امامیه، صاحب الشأن العلی و المکان،

المسنی الشیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی - بزاه الله تعالیٰ فی أعلى علیین مع النبین والصدیقین والشهداء والصالحین - که به موجب اشارت با بشارت و فرمان لازم الاذعان نواب مستطاب حضرت شاهزاده عالمیان، قبله و قدوه آدمیان، نور حدیقه ایمان و نور حدقه ای انس و جان، خلاصه خانه دان نبوت و امامت، سلاله دودمان عصمت و طهارت، آفتاب آسمان سلطنت و اقبال مهر سپهر عظمت و اجلال، ماه عالیجاه اوج کمال، بدر بلند قدر فلک، فضل و افضال ما روى دولت خانه عدالت و رعيت پروری، شاه بيت قصیده فضیلت و دانشوری، زهره زهراء اولاد فاطمه، زهراء بانوی کبرای احفاد خدیجه کبری، مقوی شریعت مصطفوی و مرتضوی، مرتبی مذهب جعفری و ملت اثنا عشری، ناموس العالمین و سلطان السلاطین المنظورة بانتظار الله الملک الدایم، حضرت شاهزاده مهین بانو سلطان خلائد الله تعالیٰ ظلال سلطنتها و عصمتها و قوم سریر الدولة الشاهیة بقوایم معدلتها و مرحمتها الى ظهور الطلعۃ المهدیة و رؤیتها، بحق عترة النبی و غرّتها [عزّتها]، بنده داعی ابو الفتح الحسینی ترتیب داده و به قلم اخلاص، بر ورق اختصاص تصویر نموده، مشتمل بر تفسیر آیات و ترجمه احادیث و روایات و تطبیق دلایل بر مدعیات. مسؤول و مأمول از کریم واهب السئول آن که به نظر اقبال نواب مستطاب مشرف گردد، و به شرف الافتات حجاب سپهر احتجاب اعتزاز و امتیاز یابد آنه بذلک جدیر، و علی ما یشاؤون قدری. و چون غرض اصلی در این مقام ذکر مسائل اعتقادات به لغت فارسی بود، ترجمه کتاب مذکور و حل مسائل و دلایل او اکتفنا نمود، و این ترجمه مثل اصلش مرتب گشت بر سی و چهار باب، و من الاستفتح فی جمیع الابواب». وقد وقع الفراغ عن تحریر هذه الكتاب فی یوم الخميس شهر جمادی الثانیه اضعف عباد الله و احوجهم الى رحمة الملک الغنی شاهیجان بن حاجی محمد سرکان در «بلدة دار الارشاد اردبیل سنه اثنی و سنتین و تسعمائه ۹۶۲».

در باره اهمیت و نقش سلطان خان در ترویج کارهای شیعی، عبارت پیشگفتہ بسیار مهم است، چنان که مترجم از او با تعبیر «مقوی شریعت» و «مرتبی مذهب جعفری» یاد کرده است. کتابهای دیگری هم به اشارت با بشارت این بانو تألیف و ترجمه شده است. از جمله رساله‌ای در اعتقادات به شماره ۱۸۲۳۳ در کتابخانه مجلس، به توصیه او و توسط سیف ابوالحسن شریف تألیف شده است.^۱ رساله‌ای در تفسیر کلمة التهلیل از سید عزیز الله حسینی که مدرس در شهر اردبیل بود، در

^۱. در باره سلطان بن گرید: احسن التواریخ، ج ۲، ص ۱۴۲۶-۱۴۲۷. در آنجا از سال فوت وی یاد شده و در حاشیه نیز توضیحاتی در این باره آمده و فرمانی از طهماسب در سال ۹۷۲ درج شده که امر به خواندن قرآن توسط شش نفر

سال ۹۶۳ به نام سلطانم تألیف شده و نسخه آن در کتابخانه رضوی است. (ذريعه: ۳۵۰/۳). کتاب خلاصه الادعیة والاعمال هم از موقفات همین سلطانم در کتابخانه رضوی است (ذريعه: ۲۱۱/۷). یک رساله‌ی کلامی دیگر از همین عزیزالله حسینی به نام شاهزاده سلطانم تألیف شده که افندی آن را دیده است. این رساله در ۹۶۷ نوشته شده است (ذريعه: ۸۵/۱۴). رساله ارکان الایمان هم که در ۹۶۴ نوشته شده، به امر سلطانم بوده است (اعیان الشیعه: ۳۲۲/۲).

وسیله النجاة در معرفت اعتقادات ترجمه‌ی دیگری از اعتقادات صدوق است که مترجم مشهور شیعی قرن دهم هجری علی بن حسن زواره‌ای آن را به فارسی ترجمه کرده و فهرست نویس مرعشی آورده است که ترجمه تحت اللفظی است. دو نسخه از آن یکی در مرعشی (ش ۴۸/۲) و دیگری در وزیری یزد (ش ۲۱۶۴/۳) معرفی شده است. (فتخا، ذیل مورد وسیله النجاة در معرفت اعتقادات).

ترجمه اعتقادات توسط مترجم ناشناخته، از تاریخ ۹۱۴ که به نظر می‌رسد از پیش از عهد طهماسب و در دوره شاه اسماعیل (۹۰۷ – ۹۳۰) است. از این ترجمه، نسخه‌ای در کتابخانه شیخ علی حیدر در مشهد (ش ۱۴۲۷/۱۳ در دست است (فتخا: ۳۹۷/۴).

منهاج المؤمنین از ابوتراب بن ابی الحسن حسینی از غدی از سال ۹۹۲ شامل ادعیه و عبادات شبانه روز و ایام هفتة. خاتمه این کتاب ترجمه اعتقادات صدوق است. نسخه‌ای از آن در فیضیه (ش ۳۰۱)، و نسخه‌ای در مرعشی (ش ۵۲۱۹) است.

مشراق العقائد الصالحة، از محمد صالح بن مسعود دستغیب از قرن یازدهم است که به شاه صفی (سلطنت ۱۰۳۸ – ۱۰۵۲) اهدا شده است. دو نسخه از این ترجمه در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۰۶۲ و ۱۶۴۸۷ موجود است. در این رساله، ضمن تأکید بر مذهب حقه شیعه امامیه که در زمان حضرت رسول (ص) مرکوز ذهن همه مسلمانان بود، و این که کسانی این وضع را تغییر دادند، به مسیر تحریف عقاید و اعتقادات در دوره بنی امية و آل مروان و بنی العباس اشاره کرده و

حافظ بر سر مزار وی در قم کرده است. (برای این مسند بنگرید: تربت پاکان، حسین مدرسی، ۲۲۸/۱ – ۲۲۸/۲). سال پس از دفن وی در قم، او را به کربلا، در سردابی که خودش برای خویش ساخته بود، انتقال داده شد (تربت پاکان: ۲۲۸/۱)، در تاریخ الفی: ۵۶۸۷/۸ آمده است: خواهر شاه طهماسب، سلطانم، که نزد شهریار ایران به غایت معتبر بود و در جمیع امور ملک و مال اختیار تمام داشت، حسب المقدور در لوازم امداد آن حضرت سعی فرمود. ابن شدقم، نویسنده تحفه‌ی الازهار: القسم الثانی، ج ۲، ۳۵۲) در باره اونوشته است: از جمله دختران وی «سلطانم، سماها لصاحب الامر عليه السلام». سلطانم بود که او را به نام صاحب الامر (ع) کرده بود.

این که به «وضع احادیث باطل و اخفاک اخبار صادقه برخلاف مذهب حق، مذاهب» پرداختند. همان وقت علمای شیعه به تدوین احادیث صحیحه مشغول شدند، آثاری که یک دوره طولانی در خفا بود تا آن که «الله سبحانه و تعالی شیعه را پادشاهان ذی جاه داده، مذهب حق از پرده خفا بیرون آمد، و شیعه را کمال قوت و شوکت بهم رسید». تا این زمان، آثاری که علمای شیعه از عوام الناس مخفی نگه داشته بودند، در اختیار قرار نداشت، و از علماء «کسی پرده آنها ندریده بود، به نحوی که به زبان عوام اندازند؛ اگرچه علمای ما رضوان الله علیهم از کتب ایشان بیرون نوشته بودند، اما به این مرتبه مشهور نشده بود که در این ایام ولا بنده بی قدر اقل خلق الله المَعْبُودِ محمد صالح الحسینی الشیرازی بن عضدالدین مسعود الشهیر به دست غیب در شهرت آنها سعی کرده، اکثر اخبار صریحه که نص است بر امامت ائمه اثناعشر از صحاح است.... ترجمه نمود که خواص و عوام بفهمند...». وی سپس به ستایش شاه صفی پرداخته و می افزاید: «...و الحمد لله که علماء را در اظهار عقاید حقه نقیه در کار نیست، و عقایدی که علمای فرقه نجیه و مشایخ کبار شیعه امامیه - رضوان الله علیهم - محترر فرموده‌اند عجم را اشفاع از آن می‌سر کنتر است، و عقاید امری است اهم از همه امور. لهذا به خاطر فاطر رسید که خلاصه اعتقادات شیعه را به فارسی، مستند به قول شیخ شیوخ الطائفه المحققة الشیخ ابن بابویه - علیه الرحمه - و احادیث صحیحه منقوله از ائمه هدی محترر سازد که جمیع خواص و عوام اعجمان که فهم عربی ایشان را خالی از اشکالی نیست، از مطالعه آن عقاید خود را تصحیح فرمایند، و بعد از مشاوره‌های با علمای کبار و استخاره و صدور امر کردگار شروع در مطلب نموده، به توفیق ایزدی در عرض چهار روز این رساله را مرتب ساخت، مشتمل بر سی و پنج باب، و مسمی گردانید آن را به مشارق العقاید الصالحیة». وی از چند کتاب دیگر خود هم یاد کرده و قطعه شعری را که خطاب به شاه صفی سروده آورده است:

فرمانده عالم این شهنشاه / کو حامی دین احمد آمد
یک مسأله نزد ذات اشرف / بر مال جهان سرآمد آمد
این عقد لآلی عقاید / کاعطای إله سرمد آمد
از عالم تحفه بر سلاطین / از بنده او محمد آمد».

شرح الاعتقادات، از اسماعیل بن محمد باقر خاتون آبادی (م ۱۱۱۶)، شرحی مفصل در ۱۹۴ صفحه که تنها نسخه آن در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ش ۵۹۵ است. وی در مقدمه می گوید که اوائل، بخشی از اعتقادات را به فارسی شرح کرده اما گویا آن را کتاب گذاشته و اکنون به عربی نوشته است.